

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ رَبِّ الشَّهَدَاءِ وَالصَّدِيقِينَ

سرشناسه: محمدی، محمد، ۱۳۳۷ دی
 عنوان و نام پدیدآور: شهیدان و حضرت زهرا / محمد محمدی.
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: عنوان دیگر: شهیدان و حضرت زهرا علیها السلام.
 عنوان دیگر: شهیدان و حضرت زهرا علیها السلام.
 موضوع: فاطمه زهرا (س)، ؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.
 موضوع: شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان
 رده بندی کنگره: ۹۱۳۹۶ش ۳/م ۱۶۲۸/DSR
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۰۱۱۸۹

شهیدان و حضرت زهرا

از شهدا چه خبر؟ (۲۶)

مؤلف: محمد محمدی
 صفحه آرا: حسین نرگسی
 انتشارات: بهار دلها
 طراح جلد: سلیمان جهان دیده
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 چاپ: البرز
 نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۷
 قیمت: ۳۰۰۰ تومان



تلفن انتشارات: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۳۶۲
 ۰۹۱۲۷۵۳۲۰۴۱ * ۰۹۱۲۷۵۹۵۲۸۸
www.baharnashr.ir



شهیدان و حضرت زهرا علیها السلام از شهداء چه خبر؟ (۲۶)

محمد محمدی





خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی
نیست و این ملت‌ها و آیندگان هستند که به
راه شهیدان اقتدا خواهند نمود.



یاد شهید، افتخارات شهید، عزت شهید را
همه باید نصب العین خودشان قرار بدهند؛
نگذارید فراموش بشود.

فهرست

۹	 یا زهرا علیها السلام
۱۰	 خدایا شکرت
۱۱	 یا حضرت زهرا علیها السلام
۱۲	 یا زهرا علیها السلام
۱۳	 پهلوی مادرم
۱۴	 بی بی حاجتش رو داد
۱۵	 مهریه حضرت زهرا علیها السلام

۱۶	چرا خوابیدی؟
۱۷	یا زهرا علیها السلام
۱۸	القاب حضرت
۱۹	سه مرتبه بگید یا زهرا علیها السلام
۲۰	ایام فاطمیه
۲۱	روضه حضرت زهرا علیها السلام
۲۲	مثل حضرت زهرا علیها السلام
۲۳	شبهه بی بی
۲۴	شبهه حضرت زهرا علیها السلام
۲۵	بگم یا زهرا علیها السلام
۲۶	این بچه مال ماست
۲۷	هم نام حضرت فاطمه علیها السلام
۲۸	یا زهرا علیها السلام
۲۹	یا زهرا یا زهرا علیها السلام
۳۰	میدان مین

۳۱		مجلس روضه
۳۲		بی بی شرمنده اش نکرد
۳۳		شال سبز
۳۴		من مادر ندارم
۳۵		آشنایی با زندگی حضرت زهرا علیها السلام
۳۶		بیمارستان حضرت زهرا علیها السلام
۳۷		توسل به حضرت زهرا علیها السلام
۳۸		پیروزی
۳۹		یه گوشه دنج
۴۰		مثل ابر بهاری
۴۱		ارث مادر
۴۲		مراوده با حضرت زهرا علیها السلام
۴۳		مظلومیت زهرا علیها السلام
۴۴		توسل
۴۵		مادرم حضرت زهرا علیها السلام کمک می کند

۴۶	شبیه بی بی
۴۷	گوشه‌ای از شلمچه
۴۸	شما عزیز ما هستی
۴۹	بلند شو از نیروها عقب می‌مانی!
۵۰	عجب صفایی داره!
۵۱	ما از خودمان چیزی نداریم
۵۲	اینا همه فرزندان من هستند
۵۳	ما تو را دوست داریم
۵۴	حاج حسین از حال رفت
۵۵	ارادت خاص
۵۶	صدای فریادش محفل را منقلب کرد
۵۷	همه اشک می‌ریختند
۵۸	ذکر مصیبت را دوست می‌داشت
۵۹	گریه برای حضرت زهرا علیها السلام
۶۰	زیارت‌نامه حضرت زهرا علیها السلام

یا زهرا علیها السلام

قایق ما خیلی تکان می خورد. خوب نمی توانستیم نشانه بگیریم. یک عده از بچه ها خوب نشانه می گرفتند. کار بلد بودند. دست شان که روی ماشه می رفت، بلند می گفتند: یا زهرا علیها السلام.

روزگاران ۱۸، ش ۲۴

خدا یا شکر ت

خیلی دوست داشت خدایک دختر بهش بدهد، اسمش را بگذار د زهرا. فکرش
راهم که می کرد گل از گلش می شکفت. پشت در اتاق عمل نشسته بود، گریه
می کرد. می گفت: خدا یا شکر ت! زهرا م سالم به دنیا اومد.

شهید دکتر رهنمون - کتاب رهنمون

یا حضرت زهرا علیها السلام

اسم دخترت رو چی گذاشتی؟ زهرا! حالا چرا زهرا؟ پس چی بگذارم؟ زهرا به
این قشنگی چه شه؟ هر موقع صداش می کنی، یاد حضرت زهرا علیها السلام می افتی.

شهید دکتر رهنمون - کتاب رهنمون

یا زهرا علیها السلام

دو تا ایفای عراقی با سرعت پشت سر هم می رفتند، آرپی جی زن یکی شان را زد. این قدر نزدیکشان بود که ترکش آرپی جی خورد به دست خودش. خون از دستش می ریخت. درد داشت. معلوم بود. فقط می گفت: یا زهرا علیها السلام!

روزگاران ۱۶، ص ۱۰

پهلوی مادرم

از بسیجیان گردان ابوذر المهدی (ع) علاقه عجیبی به حضرت فاطمه زهرا (ع) داشت و همواره تشنه شهادت بود. در آخرین روزهای جنگ که دشمن تا جاده خرمشهر اهواز آمده بود گردان ابوذر روی جاده وارد عمل گردید. در آخرین لحظات ناگهان صدای یا زهرای جعفر بلند شد. دوشکای دشمن پهلوی او را شکافته بود و در حال نیایش زمزمه می کرد: یا صاحب الزمان (ع)! ببین که پهلوی من هم مثل پهلوی مادرم حضرت زهرا (ع) شکافته شد.

شهید جعفر پیلتن - خاطرات شهدا، ص ۱۱۵

بی بی حاجتش رو داد

با رفتارش یادمان داده بود که مشکل گشا تو همه کارها حضرت زهرا علیها السلام است. از جنگ و درگیری و آتش، هر جاکه صحنه نبرد سخت می شد، فقط یک کلام می گفت: یا زهرا علیها السلام. خودش هم رابطه اش با حضرت نگفتنی بود. اگر فرصت می کرد، روزی چند بار نوار روضه حضرت زهرا علیها السلام را می گذاشت و گریه می کرد، می گفت: بی بی! آخر حاجت منو که شهادت است بده. والفجر ۸ بدجوری مجروح شد. دکتر مدت زیادی بهش استراحت داده بود؛ اما سیدگوشش بدهکار این حرف ها نبود. شب کربلای ۱، با آن مجروحیت شدید، دوباره او مده بود توی میدون. نمی تونست درست راه بره. هنوز جای زخم و ترکش شکم و پهلوش خوب نشده بود. همون شب شهید شد. بی بی حاجتش را داد.

شهید حاج سید ابراهیم خبایان - راوی حاج محمد بی طرفان - خاطرات هم رزم شهید

مهریه حضرت زهرا علیها السلام

توی منطقه عملیاتی رمضان محاصره شده بودیم. از بس تشنگی فشار آورده بود همه بی حال و خسته خوابمون برد. وقتی بیدار شدیم حسن گفت: بچه‌ها! من حضرت فاطمه علیها السلام را در خواب دیدم. حضرت با دست خودشان به من آب دادند و قمقمه شهیدی را پر از آب کردند. سریع رفتیم طرف قمقمه یکی از بچه‌ها که شهید شده بود، دست زدیم پر بود از آب خنک. انگار همین الان توش یخ انداخته باشند. همه بچه‌ها از آب سیراب شدند. از آب شیرین و گوارا، از مهریه حضرت زهرا علیها السلام.

شهید محمد حسن فایده - راوی غلامعلی ابراهیمی - افلاکیان، ص ۲۸۴

چرا خوابیدی؟

عملیات بیت المقدس بدجوری مجروح شد. ترکش خورده بود تو سرش. با اصرار بردیمش اورژانس. می گفت: کسی نفهمه زخمی شدم. همین جا مداوا کنید. دکتر آومد گفت: زخمش عمیق، باید بخیه بشه. بستریش کردند، از بس خونریزی داشت بی هوش شد. یه مدت گذشت. یک دفعه از جا پرید و گفت: پاشو بریم خط. قسمش دادم. گفتم: آخه تو که بی هوش بودی، چی شد یهو از جا پریدی؟ گفت: حالا بهت می گم به شرطی که تا وقتی زنده ام به کسی چیزی نگی. وقتی توی اتاق خوابیده بودم، دیدم خانم فاطمه زهرا (علیها السلام) اومدند داخل. فرمودند: چیه؟ چرا خوابیدی؟ عرض کردم: سرم مجروح شده، نمی تونم ادامه بدم. حضرت دستی به سرم کشیدند و فرمودند: بلند شو. بلند شو، چیزی نیست بلند شو برو به کارهایت برس.

سردار رشید شهید احمد کاظمی - راوی آقای خانزاد

مجله پیام انقلاب، شماره ۱۲ - تیرماه ۱۳۷۸

یا زهرا علیها السلام

توی کردستان با ضد انقلاب درگیر بودیم. از هوانیروز کمک خواستم. شهیدان کشوری و شیرودی با هلی کوپتر آمدند. نقاط آتش را براشون مشخص کردم، مهماتشون که تموم شد، متوجه شدم شهید کشوری منطقه را ترک نکرده. باهاش تماس گرفتم، با این که سوختش کم بود گفت: من باید کارم را تموم کنم. با دوربین که نگاه کردم دیدم افتاده دنبال یه ماشین ضد انقلاب. اونقدر بهشون نزدیک شد که با اسلیت هلی کوپتر کوبیده به ماشین و فرستادش ته دره. نگراناش بودم، دوباره تماس گرفتم، گفتم: احمد! سوختت کافی نیست. هر جا هستی بنشین. جواب داد: نمی شه هلی کوپتر رو می زنن. سوختم داره تموم می شه، چراغ هشدار دهنده سوخت هم روشن شده ولی با ذکر یا زهرا علیها السلام خودمو می رسونم قرارگاه، دل تو دلم نبود با ناامیدی تماس گرفتم قرارگاه. سراغ احمد را گرفتم. گفتند: اومده، به سلامت و با ذکر یا زهرا علیها السلام.

سردار خلبان شهید احمد کشوری - خاطرات سردار شهید علی صیاد شیرازی

القاب حضرت

آرزوش بود اولین بچه مون دختر باشد. رو حساب این که خیلی با حضرت زهرا علیها السلام انس داشت. همیشه می گفت: اگر بچه ام دختر باشد، اسمش را از القاب حضرت زهرا علیها السلام انتخاب می کنیم. خدا هم آرزوش را برآورده کرد. جای یکی، سه تا دختر بهمون داد. حسن هم هر سه تاشون را از القاب حضرت زهرا علیها السلام گذاشت (انسیه، زهرا، فاطمه).

شهید حسن انفرادی - راوی همسر شهید - کاش با تو بودم، ص ۱۴۵

سه مرتبه بگید یا زهرا علیها السلام

عاشق و دلداره حضرت زهرا علیها السلام بود. توی مراسم روضه حضرت زهرا علیها السلام سنگ تمام می گذاشت و به یاد شهدا اشک می ریخت و سینه می زد و می گفت: آخرش حاجتم را می گیرم. یه روز هم همه به عکس محسن نگاه می کنید و می گید شهید محسن سیفی. به همه ما سفارش کرده بود هر وقت برای حضرت زهرا علیها السلام گریه می کنید اشکاتون را به سینه بمالید. موقع خواب وضو بگیرید و وقتی توی رختخواب قرار می گیرید سه مرتبه بگید یا زهرا علیها السلام. صبح برای گرفتن وضو و اقامه نماز صبح، حضرت زهرا علیها السلام از خاطرتان نرود.

شهید محسن سیفی - راوی مادر شهید

۱. ایام فاطمیه

عملیات محرم مجروح شد طوری که دکترها از ش قطع امید کرده بودند. حضرت فاطمه علیها السلام او آمده بود به خوابش فرموده بود: پسر من! تو شفا گرفتی. بلند شو. فقط باید قول بدهی جبهه را ترک نکنی. بعد از این خواب سراز پا نمی شناخت. عملیات خیبر شد، فرمانده گردان حضرت علی اکبر علیه السلام از بس حضرت زهرایی بود اسم گردانش را عوض کرد، گذاشت یا زهر علیه السلام، شهید که شد ایام فاطمیه بود. ترکش خورده بود توی پهلوش.

شهید سید کمال فاضلی - سردار قضايل - علی گرجی